

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من میباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن میباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

جیلانی لیبیب

برلین - ۲۸ نومبر ۲۰۱۳



ابوالقاسم لاهوتی، شاعری فرامرز

(قسمت اول)

ابوالقاسم لاهوتی زاده سال ۱۲۶۴ خورشیدی مطابق ۱۸۸۵ میلادی در کرمانشاه، مشهور به لاهوتی خان، دومین پسر میرزا احمد کرمانشاهی الهامی، شاعر "باغ فردوس"، دفتری در ستایش خدا و پیامبر اسلام، میباشد. الهامی با گروه فراماسونری Franc-maçonnerie "آدمیت" بستگی‌هایی داشته است؛ سازمانی که با پرداخت هزینه تحصیل لاهوتی، موجب دانش

آموختن وی در تهران گردید. لاهوتی نخست جامهٔ دینمردان بر تن نمود، سپس دین پیشگی را رها نمود و به ارتش پیوست. زندگانی يك و نیم ساله اش همراه نخستین همسر وی، "نصرت" **آق اولی**، با قتل یکی از زیر دستانش در نظام، گریز وی به کرمانشاه و سپس به ترکیه توأم بوده است.

لاهوتی پس از بخشوده شدن، به ایران برگشت، بعد از شکست در کودتای تبریز به سال ۱۳۰۱ خورشیدی، با چند تن از یارانش به روسیه فرار نمود و در آن دیار ماندنی شد. از زندگانی زناشویی دوم لاهوتی با سیسیل بانو، دختر بازرگانی از شبه جزیرهٔ "کریمه"، چهار فرزند به نام های دلیر، گیو، عطیه و لیلی، بر جای ماندند. برگردانی شهنامهٔ فردوسی به زبان روسی از کارهای فرهنگی برجستهٔ سیسیل بانو، همسر، یار و یاور لاهوتی، بشمار میرود.

لاهوتی در کنار نیما یوشیج، پیشگام شعر نو به زبان پارسی دری ست. وی پس از فرار از ایران به دلیل شرکت در کودتای نافرجام تبریز، در اتحاد جماهیر شوروی وقت به سرودن اینگونه چکامه روی آورد. همهٔ شعرهایش پیش ازین در ایران دارای قافیه هستند و بر مبنای اوزان عروضی بیان گردیده اند. شعرهای عرفانی و مذهبی وی وابسته به دورهٔ دین جامگی لاهوتی میباشند. شیوهٔ بیان لاهوتی ساده، بی پیرایه، شیوا، همه فهم و مردمی ست. آواز خوانان و خنیاگران میهن من افغانستان عزیز، در کنار رهی مُعیرِی، بیشترین بهره را از لاهوتی در میان شاعران مُعاصر ایران برده اند.

لاهوتی، وزیر فرهنگ تاجیکستان نیز شد. رابطهٔ دوستانهٔ نزدیک لاهوتی با ستالین، رهبر وقت کشور اتحاد جماهیر شوروی، که میخواست پیش از ازدواج با سیسیل بانو، گویا همسر خواهرش گردد، بازتاب فراوانی یافته است. این دوستی تا پایان زندگی ستالین همچنان پای بر جای ماند. پس از مرگ ستالین و بدگویی کوتاه اندیشان، لاهوتی از جایگاه و مقامش به تدریج افتاد، چنان که از تاجیکستان به مسکو تغییر مسکن داد و تا پایان عمرش در آنجا زیست.

نخستین چکامهٔ به نشر رسیدهٔ لاهوتی به سن هفده سالگی در شمارهٔ سیصد و پنجاه و ششم روزنامهٔ هفتگی تربیت، در سال ۱۹۰۰ میلادی نشانه ای ست از استعداد و توانائی وی در سخن و ادب شعر:

کنون ببايد می خورد، در کرانهٔ رود ز دست ساقی گلچهره، با ترانهٔ رود
کز اعتدال ربیعی، شکست صولت دی از آن سپس که تن و جان خلق را، فرسود

....

آخرین شعر چاپ شده اش در جلد دوم دیوان ابوالقاسم لاهوتی پاسخ نامه ای ست برای برادرش،
عبدالحسین الهامی در سال ۱۹۵۶ میلادی؛ یعنی حدود یک سال پیش از مرگش:

خطت جانا، برای من ظفر شد بکام خشک و تلخم، نیشکر شد
صفای دل، دوی درد سر شد شب تارم، ز نور آن سحر شد

....

لاهوری در ماه حمل ۱۹۵۷ میلادی پس از ۷۳ سال زندگانی پر فراز و نشیب، در مسکو چشم
ازین جهان پوشید و با آئین ویژه سران و بزرگان شوروی، در جوارِ کاخ کرملین بخاک سپرده
شد.

(ادامه دارد)